



رئیس ستاد کل نیروهای مسلح در بازدید از نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، با جمعی از رزمندگان و فرمانده این نیرو دیدار و گفت‌وگو کرد.
رئیس ستاد کل نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، با جمعی از رزمندگان و فرمانده این نیرو دیدار و گفت‌وگو کرد.
انجام شد، امیر سرلشکر سیدعبدالرحیم موسوی با گرامیداشت یاد و خاطره شهیدای اقتدار ایران اسلامی، بویژه شهید والامقام سرلشکر پاسدار امیرعلی حاجی‌زاده، از نقش‌آفرینی‌های برجسته آن شهید عزیز در پیشبرد برنامه‌های راهبردی نیروی هوافضای سپاه و ارتقای توان موشکی و پهپادی کشور تجلیل کرد و نقشش وی در عرصه تحکیم اقتدار دفاعی و قدرت بازدارندگی ایران برابر دشمنان را ماندگار و الهام‌بخش نسل‌های آینده مدافع میهن اسلامی دانست.

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، نیروی هوافضای سپاه پاسداران را نیروی عزت‌آفرین عنوان کرد و افزود: نمایش قدرت توسط نیروی هوافضا در طول جنگ ۱۲ روزه تحمیلی بسیار بزرگ‌تر از کارهای که تاکنون انجام داده، حتی مهم‌تر از عملیات‌های بزرگ دوران دفاع مقدس بود.
امیر سرلشکر موسوی با بیان اینکه هیچ‌گاه موجودیت و تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران به این شکل به خطر نیفتاده بود، تصریح کرد: این شمشر بران نیروی هوافضا بود که به یاری خدا موفق شد گردن دشمنان را بزند و دستان آنان را قطع کند.

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح با بیان اینکه بخش ساخت و تولید با سرعت، قدرت و به صورت شبانه‌روزی فعال است، گفت: ایمان داریم رزمندگان و فرزندان راستین انقلاب اسلامی با عزم، اراده، توانمندی و شجاعت، پرچم سرداران بزرگی را که در این حادثه از دست دادیم، زمین نخواهند گذاشت و قطعا تا پیروزی کامل جمهوری اسلامی ایران پیش خواهند رفت.
خدمت رهبر معظم انقلاب و فرمانده معزز کل قوا داشتن چنین سربازانی را تریک عرض می‌کنم.

وی ادامه داد: به همه ملت ایران این قوت قلب را می‌دهم تا زمانی که این سربازان شجاع و قدرتمند هستند، اجازه نخواهند داد امنیت کشور به خطر بیفتد و دشمن هر اگر دوباره مرتکب خطایی شود، رزمندگان ما کاملا آماده‌اند تا پاسخی پشیمان‌کننده و محکم‌تر از قبل به او بدهند.

در این بازدید، سردار سیدمجید موسوی، فرمانده نیروی هوافضای سپاه با ارائه گزارشی از عملیات «وعده صادق ۳» و دستاوردهای آن برای ملت ایران، هماهنگی و هم‌افزایی این نیرو با ستاد کل، قرارگاه مرکزی حضرت خاتم‌الانبیا و سایر نیروهای مسلح کشور در این رویداد بزرگ تاریخی را تشریح و با اشاره به آمادگی‌های عملیاتی و راهبردی این نیرو بیان کرد: به فضل الهی و بر اساس تدابیر ابلاغی، «دست بر ماشه» همچنان برای مقابله با هر گونه خطای محاسباتی و ماجراجویی احتمالی مجدد دشمن آماده هستیم.

■ ■ ■

لاریجانی:



علی لاریجانی، مشاور رهبر انقلاب در حاشیه مراسم بزرگداشت شهدای نیروی قدس سپاه پاسداران در جمع خبرنگاران اظهار کرد:مهم‌ترین موضوع این است که مردم با همبستگی خود دشمن را شکست داندند.
وی همچنین در پاسخ به پرسشی درباره میزان توان نیروهای مقاومت در منطقه تاکید کرد: نیروهای مقاومت در منطقه از توانایی خوبی برخوردارند.
■ ■ ■

تأکیداز‌های بر تعیین تکلیف فوری پرونده‌های عناصر مرتب با رژیم صهیونی



حجت‌الاسلام‌والمسلمین غلامحسین محسنی‌زاده‌ای، رئیس دستگاه قضایی سخانی در نشست شورای عالی قوه قضائیه، با اشاره به اینکه افکار عمومی باید میان مراتب و درجات مختلف جرم «جاسوسی» و جرم «همکاری با دشمن» تمایز و تفکیک قائل شود، تأکید کرد: این موارد باید به روشنی برای افکار عمومی تبیین و تشریح شود. تأکید مؤکد دارم این قبیل تبیین‌گری‌های‌رای عموم مردم استمرار یابد.

وی همچنین خواستار تعیین تکلیف فوری و در عین حال ملایم قانون پرونده‌های متهمان به همکاری با رژیم صهیونیستی شد.



گفت‌وگوی «وطن امروز» با جرمی کازمارو تحلیلگر سیاسی و استاد دانشگاه نیویورک درباره تهدید ایران به فعال‌سازی اسنپ‌بک از سوی اروپا

ماشه می‌چکاند؟

اروپا همچنان ایران را به بازگرداندن تحریم‌ها تهدید می‌کند. از منظر شما با توجه به دامنه وسیع تحریم‌های فعلی آمریکا این تهدید چقدر می‌تواند موثر واقع شود؟

حقیقت این است که حداکثر ظرفیت تحریم‌ها علیه ایران در حال حاضر به کار گرفته شده است. این یک واقعیت تلخ و انکارناپذیر است. اروپایی‌ها از همان ابتدا برابر سیاست فشار حداکثری دولت آمریکا موضع فعال و بی‌تفاوتی را پیش گرفتند. آنها نه‌تنها هیچ تلاش مؤثری برای کاهش فشارهای واشنگتن انجام ندادند، بلکه در مسیر عادی‌سازی شرایط اقتصادی ایران نیز یاری نکردند. این انفعال، خود به تنهایی گواه همراهی کامل اروپا با ایالات متحده در این کارزار فشار است. مکانیسم مالی اینستکس که قرار بود به عنوان یک کانال تجاری بشردوستانه عمل کند، نماد بارزی از این رویکرد دوگانه و بی‌اثر اروپایی‌ها بود. اینستکس چیزی جز یک «بزار نامایشی» نبود که هرگز نتوانست به‌طور واقعی عملیاتی شود و به نیازهای اقتصادی ایران پاسخ دهد. در واقع اروپا در این زمینه بیش از یک ناظر منفعل نبود و این خود ضربه‌ای جدی به اعتبار آن وارد کرد.

■ با این توصیف، آیا می‌توان ادعا کرد ایران عملا از فاج تحریم‌ها گذر کرده است؟

بدقیقا! ایران سال‌های متعددی در شدیدترین رژیم تحریم‌های تاریخ مدرن به سر برده است. این کشور عملا از نقطه لوج فشارهای اقتصادی که با شوک ارزی سال ۲۰۱۸ (۱۳۹۷) و تحریم‌های بی‌سابقه نفتی رقم خورد، عبور کرده است. بنابراین تهدید به بازگرداندن قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل یا اعمال تحریم‌های جدید، به لحاظ عملی فشار شدیدی بر وضعیت فعلی تحمیل نمی‌کند. این بدان معنا نیست که فشار اقتصادی کاملا از بین رفته است، بلکه به این معناست که مردم ایران با این شرایط دشوار کنار آمده‌اند و بازگشت تحریم‌های قدیم، چیزی غیرمنتظره برای آنها نیست.

جامعه ایران به نوعی با این وضعیت خو گرفته و توانایی مقاومت خود را به اثبات رسانده است، لذا این تهدیدها بیشتر در فضای روانی و سیاسی تأثیر گذار خواهند بود تا عرصه اقتصاد کلان.

■ برای درک بهتر موضوع لطفا تفاوت‌های اساسی میان تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل و تحریم‌های ثانویه ایالات متحده را تبیین کنید؛ کدام دسته از تحریم‌ها فشار بیشتری بر اقتصاد ایران وارد کرده است؟

این تمایز، نکته‌ای بسیار کلیدی و حیاتی است که اغلب نادیده گرفته می‌شود. تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد عمدتا دارای جنبه‌های فنی و ماهیت هسته‌ای بوده، یعنی تمرکز بر محدودیت‌های مربوط به فعالیت‌های غنی‌سازی، اشاعه هسته‌ای و برخی برنامه‌های موشکی خاص بود، البته تحریم‌های اقتصادی ویس‌رای دارد. هدف اصلی جلوگیری از دست‌یابی ایران به بمب اتم بود اما آنچه واقعا برای مردم ایران سخت بود و اقتصاد کشور تان را با مشکلات عمیق مواجه کرد، تحریم‌های ثانویه



گفت‌وگوی «وطن امروز» با جرمی کازمارو تحلیلگر سیاسی و استاد دانشگاه نیویورک درباره تهدید ایران به فعال‌سازی اسنپ‌بک از سوی اروپا

ماشه می‌چکاند؟

ایالات متحده بود. این تحریم‌ها توانایی آمریکا را برای مجازات اشخاص یا نهادهای خارجی که با بخش‌های خاصی از اقتصاد ایران (مانند نفت، بانکداری و کشتیرانی) معامله می‌کردند، فراهم آورد. واشنگتن این تحریم‌ها را با حداکثر توان اعمال کرد و به دنبال قطع ارتباط ایران با سیستم مالی جهانی بود. جالب توجه است که حتی در طرح‌های به ظاهر سازش‌جویانه با ایران نیز، بند مربوط به حفظ تحریم‌های ثانویه دست‌نخورده باقی ماند. این بدان معناست که آمریکا قصد دارد اهرم فشار اقتصادی اصلی خود را به عنوان یک ابزار دائم علیه ایران حفظ کند و از آن در هر مذاکره احتمالی آتی بهره‌برداری کند.

■ با این اوصاف، به نظر شما بازگشت وضعیت حقوقی ایران به دوران پیش از برجام (تحت تحریم‌های شورای امنیت) به لحاظ عملی و عینی تأثیر ملموسی بر اقتصاد ایران نخواهد داشت؟

به لحاظ عملی و عینی بازگشت به تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل تأثیر شگرفی بر وضعیت اقتصادی جامعه ایران نخواهد داشت. هرچند از جنبه حقوقی این اقدام ممکن است وضعیت ایران را به دوران پیش از برجام و تحت قطعنامه‌های شورای امنیت بازگرداند - و باید اقرار کرد این یکی از نقاط ضعف بزرگ توافق برجام بود که بسیاری از منتقدان از همان ابتدا نسبت به آن هشدار می‌دادند و آن را دستاویزی برای سواستفاده می‌دانستند - اما با توجه به اینکه ایالات متحده همین حالا نیز حداکثر فشارهای اقتصادی ممکن را بر ایران اعمال کرده است، این تغییر حقوقی، به لحاظ عملی، تغییر چشمگیری در واقعیت اقتصاد ایران ایجاد نمی‌کند. این موضوع نباید از دید سیاست‌گذاران اروپایی پنهان بماند. بر همین مبنا آنها نباید به واسطه این تهدیدات، چندان به تغییر رویکرد و تصمیمات مقامات جمهوری اسلامی ایران امید داشته باشند. این اقدام اول یک «نمایش سیاسی» و «تلاش برای ایجاد ترس» است و بعد یک ابزار فشار اقتصادی مؤثر و نوین.

■ آیا ایران هیچ ابزاری برای مقابله با توقف مکانیسم ماشه در اختیار دارد؟

متأسفانه نحوه نگارش این بند در توافق برجام به گونه‌ای است که هر یک از اعضای ۵+۱ (عضو دائم شورای امنیت به علاوه آلمان) قادرند به صورت یک‌جانبه از مکانیسم اسنپ‌بک استفاده کنند و ایران نیز عملا هیچ راهکار حقوقی‌ای برای متوقف کردن این روند ندارد. صرفا کافی است یک عضو گروه ۵+۱ از وضعیت اجرائی برجام نازشی باشد تا در یک فرآیند ۲ ماهه، بدون نیاز به اجماع یا رأی‌گیری مجدد و فارغ از اینکه استدلال‌های حقوقی و فنی ایران چقدر محکم و مستدل باشد، صرفا به واسطه «مللی سیاسی» آن طرف، تمام تحریم‌های بین‌المللی بازگردد. در حقیقت، متأسفانه این مکانیسم در برجام به نحوی طراحی شده که حق وتوی واقعی در اختیار کشوری قرار می‌گیرد که نامایل به‌رهم زدن توافق دارد. به بیان روشن‌تر، آنچه در جلسه شورای اسلامی را می‌بیند و مردم ایران را تحت فشار بیشتری قرار می‌دهد، این یک «عامله ناعادلانه» و کاملا یک‌طرفه است که تنها هدفش گرفتن امتیازات بیشتر از ایران، بدون ارائه هیچ تضمین واقعی‌ای برای لغو پایدار تحریم‌های اصلی و برطرف کردن مشکلات اقتصادی است. ایران باید بيشدت مراقب این «دام دیپلماتیک» باشد و به هیچ‌وجه نباید در آن گرفتار شود. این یک بازی فریبکارانه است که نفعی برای ایران نخواهد داشت.

همچنان از سوی ترامپ مطرح می‌شود. حمله اخیر آمریکا به ایران و سیاست اعمال تحریم‌های ظالمانه علیه کشورمان که ریشه در هژمونی‌طلبی غرب دارد، مشخصا استقلال و پیشرفت ایران را نشانده گرفته است. جمهوری اسلامی ایران همواره اعلام کرده آماده مذاکره در چارچوب احترام متقابل و بدون پیش‌شرط‌های غیرقانونی است. با این حال، هر گونه مذاکره‌ای که بخواهد خطوط قرمز ایران، بویژه حق غنی‌سازی را نادیده بگیرد، در نظر تهران محکوم به شکست است. این موضع، ریشه در تجربه تاریخی ایران در مواجهه با قدرت‌های غربی دارد که بارها نشان داده‌اند به تعهدات خود پایبند نیستند. نمونه بارز این بدعهدی، خروج یک‌جانبه آمریکا از توافق هسته‌ای برجام در سال ۲۰۱۸ و اعمال تحریم‌های حداکثری علیه ایران است. حمله نظامی آمریکا به مراکز هسته‌ای کشورمان نیز مزید بر علت شد تا دیوار بی‌اعتمادی ایران نسبت به آمریکا محکم‌تر از هر زمان گذشته غنی‌سازی را به عنوان پیش‌شرطی برای هر گونه مذاکره مطرح کرده‌اند. حتی پس از حمله گراف آمریکا به تاسیسات هسته‌ای کشورمان، این خواسته گراف

تنها یک رأی منفی، حتی از سوی همان کشوری که شکایت اولیه را مطرح کرده، برای بازگرداندن تمام تحریم‌ها کفایت می‌کند. این یک ضعف ساختاری فاحش و یک امتیاز غیرمنصفانه به قدرت‌ها بود که متأسفانه تیم مذاکره‌کننده ایران در آن زمان پذیرفت.

این واقعا بزرگ‌ترین و خطرناک‌ترین نقطه ضعف برجام است که ماهیت متقارن توافق را از بین می‌برد. حتی اگر قدرت‌های بزرگی مانند روسیه و چین، و فرضا شرکای اروپایی مثل فرانسه و آلمان نیز با استدلال‌ها و مواضع ایران موافق باشند و حقانیت آن را درک کنند اما تنها یک کشور، مثلا بریتانیا، ابراز مخالفت کند، اسنپ‌بک عملا فعال می‌شود. این نشان می‌دهد توافق برجام تا چه حد شکننده و آسیب‌پذیر در برابر اراده یک‌جانبه هر یک از اعضای ۵+۱ طراحی شده و این یک اشکال بنیادین در معماری حقوقی این توافق است که همواره مورد انتقاد کارشناسان قرار گرفته است.

■ هدف اصلی اروپا از اصرار بر فعال‌سازی آن چیست؟ همان‌طور که قبلا اشاره کردم، هدف اصلی از این اقدام، کاملاً «سیاسی» است. اروپایی‌ها قصد دارند افکار عمومی داخل ایران، همچنین مسؤولان کشور را تحت تأثیر قرار دهند. آنها می‌خواهند این تصور را القا کنند که یک «تحول منفی اقتصادی بزرگ و قریب‌الوقوع» در انتظار ایران است و برای پیشگیری از آن، تهران مجبور به دادن «امتیازات جدیدی» است. این امتیازات فراتر از چارچوب هسته‌ای، شامل حوزه‌های منطقه‌ای، برنامه موشکی و تمدید محدودیت‌های برجام خواهد بود. این یک «بازی روانی پیچیده» است که هدف آن ایجاد فشار داخلی و خارجی بر ایران است تا این کشور را وادار به تسلیم در برابر خواسته‌های توسعه‌طلبانه آنها کند. این یک جنگ ادراکی است که در آن، اروپا تلاش می‌کند با بزرگنمایی خطر، ایران را به میز مذاکرات با شرایط از پیش تعیین‌شده بازگرداند.

■ چرا ایالات متحده خود مستقیماً از مکانیسم ماشه استفاده نکرد و به جای آن، خروج کامل از برجام را ترجیح داد؟

زمانی که دولت آمریکا تحت ریاست جمهوری ترامپ تصمیم به خروج از برجام گرفت، گزینه‌های متعددی را در مقابل خود داشت. این گزینه‌ها شامل فعال‌سازی اسنپ‌بک، شیوه‌های دیگر «خروج نرم» یا توافق با «خروج کامل و سخت» می‌شد که در نهایت، «خروج کامل از برجام» به مرحله اجرا درآمد. دلیل اصلی این انتخاب این بود که آمریکایی‌ها معتقد بودند با این رویکرد، فشار حداکثری و بی‌سابقه‌ای بر ایران وارد خواهد شد که از سایر گزینه‌ها مؤثرتر خواهد بود و اهداف سیاست فشار حداکثری واشنگتن را به بهترین نحو محقق می‌کرد. تحلیل آنها این بود اگر آمریکا در برجام می‌ماند و صرفا اسنپ‌بک را فعال می‌کرد، این موضوع بار معنایی متفاوتی داشت و تحریم‌های بین‌المللی که بازمی‌کشد، به اندازه تحریم‌های ثانویه - که در دوره اوپاما پس از سال ۲۰۱۰، با قانون جامع تحریم‌ها، پاسخگویی و سلب حق سرمایه‌گذاری ایران (CISADA) اعمال شد - تأثیر گذار نبود. این نشان می‌دهد آمریکا بخوبی از تفاوت ماهوی و اثربخشی تحریم‌های یک‌جانبه و ثانویه خود آگاه بود.

■ بنابراین اسنپ تحریم‌های ثانویه آمریکا را بسیار فراتر و مؤثرتر از تحریم‌های مندرج در قطعنامه‌های شورای امنیت می‌داند؟

بله؛ کاملاً. تحریم‌های ثانویه آمریکا به مراتب از قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل فراتر رفت و تأثیر مخرب‌تری داشت. آخرین قطعنامه شورای امنیت که علیه ایران صادر شد، قطعنامه ۱۹۲۹ بود که عمدتا بر جنبه‌های فنی هسته‌ای تمرکز داشت. قطعنامه‌های دیگر شورای امنیت مانند ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳ و ۱۸۲۵ نیز بیشتر در حوزه‌های فنی مرتبط با هسته‌ای، عدم اشاعه یا مسائل موشکی و زنجیره تأمین بود. به همین دلیل، زمانی که آخرین قطعنامه صادر شد، مقامات آمریکایی به صراحت اعلام کردند این قطعنامه‌ها صرفا «سکوی پرتاب» ما برای اعمال تحریم‌های ثانویه خواهد بود و از همان زمان تحریم‌های ثانویه آمریکا که مستقیما بخش‌های حیاتی اقتصاد ایران مانند فروش نفت را هدف قرار می‌دهد، به طور بی‌سابقه‌ای اعمال شد.

■ رئیس‌جمهور فرانسه نیز اخیرا طرحی را پیشنهاد کرده است؛ مشکل اصلی و نقاط ضعف طرح پیشنهادی مکرون از نگاه شما چیست؟

مشکل اساسی این طرح این است که آنها صرفا از «فعال‌سازی مجدد تنش‌های برجامی» سخن می‌گویند، در حالی که باید توجه داشت از زمان روی کار آمدن دولت ترامپ، علاوه بر تحریم‌های هسته‌ای برجام، رژیم‌های تحریمی بسیار گسترده و جدیدی نیز علیه ایران اعمال شده است. تحریم‌هایی مانند قانون کاتسا (CATSA)، تحریم علیه سپاه پاسداران، انقلاب اسلامی، نهاد رهبری، تحریم شخصیت‌های کلیدی، تحریم بانک مرکزی، تحریم بخش‌های حیاتی مانند فلزات و صنایع سنگین و بسیاری نهادهای اقتصادی دیگر.

بر اساس متن‌هایی که خود مقامات غرب از طرح پیشنهادی مکرون منتشر کرده‌اند، «تحریم‌های جدید و بسیار سنگین» اساسا شامل آن طرح نمی‌شود. این موضوع به خودی خود یک معضل بزرگ و یک دام دیپلماتیک برای ایران است. نه‌تنها هیچ مشکل اقتصادی خاص و ریشه‌ای را از کشور تان حل نمی‌کند، بلکه عملا دست جمهوری اسلامی را می‌بندد و مردم ایران را تحت فشار بیشتری قرار می‌دهد. این یک «عامله ناعادلانه» و کاملا یک‌طرفه است که تنها هدفش گرفتن امتیازات بیشتر از ایران، بدون ارائه هیچ تضمین واقعی‌ای برای لغو پایدار تحریم‌های اصلی و برطرف کردن مشکلات اقتصادی است. ایران باید بيشدت مراقب این «دام دیپلماتیک» باشد و به هیچ‌وجه نباید در آن گرفتار شود. این یک بازی فریبکارانه است که نفعی برای ایران نخواهد داشت.

تسلیم پیام نخست‌وزیر و رئیس ستاد کل ارتش پاکستان به رهبر انقلاب

در دیدار ولایتی و نقوی پیام نخست‌وزیر و رئیس ستاد کل ارتش پاکستان به رهبر معظم انقلاب، توسط وزیر کشور پاکستان به علی‌اکبر ولایتی، مشاور رهبر انقلاب در امور بین‌الملل تسلیم شد. همچنین طرف ضمن اظهار رضایت از روند رو به رشد روابط دوجانبه، بر اهمیت همکاری‌های گسترده‌تر در زمینه‌های مختلف تأکید کرد.
دولت پاکستان به وضعبت منطقه قفقاز و جمهوری باکو گفت: شما روابط نزدیکی با باکو دارید اما ما عین حال باید بداند که حکومت باکواقداماتی انجام می‌دهد که با دیدگاه‌های جهان اسلام مغایر است. از جمله می‌توان به میانیگی‌گری میان جولانی، رئیس حکومت شورشیان سوریه و رژیم صهیونیستی، همچنین صدور نفت به اسرائیل در اوج جنایات این رژیم علیه مردم مظلوم فلسطین اشاره کرد. شما می‌توانید از آنها بپرسید این اقدامات مغایر دیدگاه مسلمانان و کشورهای اسلامی، چرا انجام می‌شود؟

■ ■ ■

را از حقوق قانونی‌اش محروم کند، نه‌تنها مذاکره را بی‌معنا می‌کند، بلکه به منزله تسلیم در برابر زور گویی است که با اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی مغایرت دارد. غنی‌سازی اورانیوم برای ایران فراتر از یک موضوع فنی یا سیاسی است؛ این مساله به هویت ملی، استقلال و عزت ایران گره خورده است. توقف غنی‌سازی به معنای پذیرش تحمیل خارجی و عقب‌نشینی از دستاوردهای علمی و فناوری است که ایران که با هزینه‌های سنگین به آن دست یافته است. این دستاوردها نتیجه تلاش نسلی از دانشمندان ایرانی است که در شرایط دشوار تحریم و انزوا بی‌المللی توانستند ایران را به یکی از پیشگامان فناوری هسته‌ای در منطقه تبدیل کنند. علاوه بر این، غنی‌سازی برای تأمین نیازهای داخلی ایران، از جمله برق، تولید سوخت برای راکتورهای هسته‌ای و ایژوتوپ‌های پزشکی برای درمان بیماری‌هایی مانند سرطان، حیاتی است. محروم کردن ایران از این حق، نه‌تنها توسعه علمی و اقتصادی کشور را مختل می‌کند، بلکه میلیون‌ها نفر از مردم ایران را از دسترسی به فناوری‌های پیشرفته محروم می‌کند.

ولایتی: اگر قرار باشد مذاکره به توقف غنی‌سازی منوط شود قطعا چنین مذاکره‌ای انجام نخواهد شد

به شرط غنی‌سازی

یکی از امضاکنندگان این معاهده، بارها بر صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای خود تأکید کرده و فعالیت‌هایش را تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) انجام داده است. غنی‌سازی اورانیوم، فراتر از یک حق قانونی، نمادی از استقلال علمی و فناوری ایران است. این دستاورد، حاصل دهه‌ها تلاش دانشمندان ایرانی در شرایط تحریم و فشارهای بین‌المللی است که نتوانستند ایران را به یکی از معدود کشورهای دارای



تلاش برای سلب این حق، به معنای نادیده گرفتن عزت ملی و دستاوردهای علمی ایران است. آمریکا و متحدان غربی‌اش با اعمال تحریم‌های ظالمانه، فشارهای سیاسی و تهدیدات نظامی، تلاش کرده‌اند ایران را از ادامه برنامه هسته‌ای خود بازدارند. این کشورها با طرح ادعاهای بی‌اساس درباره اهداف برنامه هسته‌ای ایران، حتمت‌گسترش تسلیحات هسته‌ای برای هر گونه مذاکره مطرح کرده‌اند. حتی پس از حمله گراف آمریکا به تاسیسات هسته‌ای کشورمان، این خواسته گراف

«غنی‌سازی خط قرمز ایران است»، این مهم‌ترین بخش صحبت‌های «علی‌اکبر ولایتی» مشاور رهبر معظم انقلاب در امور بین‌الملل در دیدار «سیدمحسن نقوی» وزیر کشور پاکستان بود تا بار دیگر بر موضع قاطع و غیر قابل تغییر ایران در قبال حق غنی‌سازی هسته‌ای تأکید کند. ولایتی در سخنانی صریح اعلام کرد جمهوری اسلامی ایران با مذاکره‌ای بدون پیش‌شرط و در چارچوب حفظ خطوط قرمز نظام باشد، مخالفتی ندارد اما توقف غنی‌سازی اورانیوم به عنوان پیش‌شرط مذاکره، به هیچ عنوان پذیرفتنی نیست. وزیراسبق خارجه تأکید کرد: «آنها می‌گویند ایران باید از غنی‌سازی دست بکشد، در حالی که این مساله از خطوط قرمز ماست. اگر قرار باشد مذاکره به توقف غنی‌سازی منوط

شود، قطعا چنین مذاکره‌ای انجام نخواهد شد». اظهارات ولایتی به عنوان مشاور رهبر انقلاب اسلامی، نه‌تنها بازتاب‌دهنده عزم راسخ ایران برای حفظ استقلال و حقوق ملی خود است، بلکه پیامی روشن به آمریکا مبنی بر مقاومت در برابر هر گونه فشار و زور گویی است. حق غنی‌سازی اورانیوم برای ایران، ریشه در سیاست گسترش تسلیحات هسته‌ای (NPT) دارد که به کشورهای عضو اجازه می‌دهد از انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز استفاده کنند. ایران به عنوان